

## متن کامل بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی پس از بازدید از نمایشگاه کتاب در حسینیه امام خمینی (ره) - 28 / آرديبهشت 1378

بسم الله الرحمن الرحيم

طبق معمول برای بندۀ روز شیرین و خوبی بود که در جمع ناشران و در مجموعه کتابها، ساعتی را گذراندیم. البته من به زحمت آقایان راضی نبودم؛ برای شما این کار مشکلی بود که به اینجا بیایید و این بساط را بگسترانید. دوستان وزارت ارشاد پیشنهاد کردند و ما هم این محبت را پذیرفتیم. به هر حال از همه شما حضراتی که در اینجا زحمت کشیدید و تشریف آوردید، متشرکریم.

به نظر من، طبقه ناشر در هر بخشی از نشر و طبع، جزو مجموعه‌های ارزشمند جامعه محسوب می‌شود؛ چون تولیدکنندگان کتاب و ناشران آن، مهمترین وسیله انتقال فرهنگ را در اختیار مردمان می‌گذارند. در اینجا نباید کسی بگوید که ناشران به دنبال کسب درآمدند. البته این حرف، حرف درستی است؛ ناشران دنبال کسب درآمدند. ای ساگاهی مؤلف و مترجم هم همین فکر را می‌کنند؛ ولی این از ارزش کار آنها نمی‌کاهد. ممکن است یک پژوهش که شما از او این قدر تشکر می‌کنید، برای کار پژوهشی خودش درآمدی کسب کند؛ یا یک پرستار، یا هر فرد امدادگر و خدمت دیگری برای خودش درآمدی کسب کند. این که کسی در مقابل کاری، درآمدی کسب می‌کند، از ارزش ذاتی کار نمی‌کاهد. البته اگر کسی که این کار را انجام می‌دهد، نیت مخلصانه داشته باشد و این کار را برای اهداف عالی و الهی بکند، ارزش و مزد او مضاعف و چند برابر می‌شود.

عزیزان من! کار شما از جهات مختلفی سخت است؛ درست مثل کار همان پژوهش که عرض کردم، اینجا هم تطبیق می‌کند. اگر در تجویز و ارائه دارو، بی‌توجهی کنید و چیزی را در اختیار مشتری کتاب بگذارید که برای او زیانبار است، شما هم ضرر معنوی بزرگی کرده اید. در نهایت، به هیچ وجه شانه شما و شانه ما و وزارت ارشاد و معاونت ذی ربط هم از بار و زر آن نوشته ای که شما وقتی آن را می‌دهید، به زیان تمام می‌شود، فارغ نخواهد بود؛ این را شما بدانید. این نکته ای که ما بازها آن را تکرار می‌کنیم، ناشی از یک منطق و ناشی از یک استدلال قوی است. این طور نیست که به خاطر احساسات، یا به خاطر تصوّرات زودگذر، انسان از آنچه که در عالم نشر و طبع می‌آید و زیانبار است، شکوه کند؛ نه، چون ضرر آن به قدر اهمیت کار تألیف و نشر و انتقال فرهنگ، بزرگ است.

من در ذهن خودم، کار فرهنگی منفي را - یعنی آن چیزی که از نظر ما و با معیار ما بد است - به سه نوع تقسیم می‌کنم: یک نوع، آن نوشته یا کتابی است که یک منطق یا سخنی را ارائه می‌دهد که از نظر ما آن سخن غلط است. یک فکر است، یک پیشنهاد است، یک نظر است، در هر زمینه ای ممکن است؛ لیکن فقط آن صاحب نظر مخالف، در فکر این است که نظر مخالف خودش را مطرح کند و هیچ انگیزه ای دنبال آن نیست. طرح چنین فکر مخالف و غلطی - از نظر ما - در جامعه، مفید است؛ بودنش از نبودنش بهتر است؛ زیرا اگر اندیشه غلط طرح نشود، اندیشه درست نمی‌جوشد. این منطقی است و ما مایلیم آن چیزی که از نظر صاحب‌ش البته درست است، اما از نظر ما غلط است، منتشر شود؛ در حوزه‌های مختلف هم منتشر شود؛ کما این که مثلاً در عالم فقه است، یا در عالم فلسفه - حالا آن بخش کار ما؛ یعنی فلسفه اسلامی - و بقیه مباحث علمی، کسانی چیزهایی را می‌نویسند که از نظر یک جمع دیگر غلط است. آنها هم جوابش را می‌نویسند؛ نتیجه این می‌شود که مطلب رشد پیدا می‌کند، پرورش پیدا می‌کند، ذهنها قوی می‌شود و سخن و علم پیش می‌رود.

نوع دوم کار که غلط است، این است که انگیزه آن صرفاً ارائه یک سخن علمی یا یک نظر فلسفی یا اجتماعی یا سیاسی نیست؛ بلکه جزئی از چارچوب یک طرح براندازی است. نشر این هم مضر است. دشمن وقتی که می‌خواهد با ابزار فرهنگی به کشور و جامعه و نظامی حمله کند، چیزهایی را هدف می‌گیرد، که به نظر من امروز در کشور ما چنین چیزهایی هست. هم در عالم کتاب هست، هم در عالم مطبوعات هست، هم در عالم هنر هست. البته وقتی ما می‌گوییم که این فکر غلط، یا این طرح غلط، یا این سخن نادرست، در چارچوب یک طرح امنیتی و براندازی قرار

دارد، ممکن است صاحب آن اندیشه، مطلقاً نداند که چه کار می کند! این به معنای آن نیست که خود او هم در آن طرح براندازی یا خرابکاری شریک است؛ نه، گاهی اصلاً او هیچ سهمی ندارد، اما دشمن از او استفاده می کند. این جایک انسان خیرخواه، به مجرد این که دید از سخن او، از حرف او و از کار او به عنوان جزئی از یک مجموعه خرابکاری در این کشور استفاده می شود، اگر خود او به این کار براندازی یا خرابکاری مایل نیست، فوراً عقب می کشد. قاعده اش این است؛ اگر عقب نکشید، پس او هم سهیم و شریک است. این، نوع دوم از اندیشه های غلط است.

نوع سوم، آن کار فرهنگی ای است که اثرش آنی است و قابل پاسخگویی نیست. مثل این که در جامعه ای بیایند عکسهای مستهجن جنسی را به شکل وسیعی در میان جوانان پخش کنند! شما چطور می خواهید این را جواب دهید؟ اصلاً قابل جواب دادن است؟ این اصلاً قابل جواب دادن نیست. وقتی که یک اثر هنری و یک نوشته و یک عکس، یک تأثیر ویرانگر اخلاقی دارد، این قابل پاسخگویی نیست. جلو این کار فرهنگی را باید گرفت؛ این آن ممیزی واجب است که در جنجال علیه ممیزی و سانسور نباید هدف را گم کرد. من وظیفه نظام می دانم، وظیفه وزارت ارشاد می دانم، وظیفه شما که ناشرید می دانم، که وقتی چنین چیزی مطرح می شود، شما اجازه ندهید و کمک نکنید. این هیچ ربطی ندارد به این که ما با فکر آزاد موافقیم یا مخالفیم. طبیعی است که ما با آزادیهایی مخالفیم؛ مگر کسی شک دارد؟ ما با بعضی از آزادیهای مخالفیم. ما با آزادیهای جنسی مخالفیم؛ ما با آزادی گناه مخالفیم و این کاری است که مردم را به این طرف سوق می دهد. همین الان در کتابهای ما هست؛ کتابهای منتشر شده الان وجود دارد. اگر خوف این نبود که با گفتن من، نام یک اثر غلطی تکرار شود، اسمش را می گفتم. کتابی که جوانان را به طور واضحی، با شیوه های هنری، به سمت گناه سوق می دهد! این یک مسئله فکری نیست که ما بگوییم حالا این کتاب منتشر شود، ما هم جوابش را منتشر کنیم؛ این جواب ندارد!

خطاست اگر کسی گمان کند، ما که نسبت به مسئله مطبوعات و کتاب و نوشتن و نشر در جامعه حساسیت به خرج می دهیم، با تفکر آزاد، با فکر آزاد و با مباحثه آزاد مخالفیم؛ نه. ما کسانی هستیم که اوّلین شعارهای این مسائل را داده ایم و الحمد لله تا الان هم دنبالش بوده ایم؛ اما با آزادی گناه و آزادی ویرانگری مخالفیم. نمی شود اجازه داد که نسل جوان یک کشور که به اعتماد ما می آید کتاب را از شما می خرد و می گویید اینها متدينیان و در رأس کار هستند، از این طریق گمراه یا فاسد شود؛ یا از این طریق دشمن بخواهد کاری انجام دهد.

عزیزان من! این را بدانید که امروز - البته نه این که مخصوص امروز هم باشد؛ از مدت‌ها پیش - در این زمینه یک جریان و یک حرکت فرهنگی و سیاسی تندتر و پُرستابتربی از طرف مخالفان نظام جمهوری اسلامی - که در واقع مخالف اسلامند - وجود دارد که متوجه ذهنیت در جامعه ماست. هدف، ذهنها هستند. ذهن، به معنای آنچه که شامل فکر است، شامل اخلاق است، شامل خصوصیات روانی و روحی است - من مجموعه اینها را مورد نظر دارم - مورد هدف است. به خاطر این که می دانند نظام جمهوری اسلامی - که رمز استقامت و ایستادگی یک ملت در مقابل سلطه جهانی بود و بحمد الله هست - و این کشور و این دولت و این مجموعه انسانی و جغرافیایی، با هیچ روش توأم با زور، قابل شکست دادن نیست؛ حقیقتش هم همین است.

حالا می نویسند که امریکا می خواست حمله کند، می خواست چنین بکند؛ البته ممکن است دولتی از روی قلدری، تصمیم اشتباھی هم بگیرد؛ اما محققاً هر گونه حمله نظامی و تحرک نظامی واپسیه به دشمن، به ضرر دشمن و به سود جمهوری اسلامی تمام می شود. حالا که این احتمالات خوشبختانه کمتر است؛ اما آن وقتی هم که این احتمالات در ذهنها بیشتر بود، همان وقت هم ما می گفتیم که دشمن اگر عاقل باشد و بخواهد با خردمندی تصمیم بگیرد، چنین تصمیمی نخواهد گرفت. بنابراین، کار نظامی، کار زوری و کار متکی با فشار، روی این کشور اثری ندارد. آنچه که برای آنها مهم است، عبارت است از مردم. مردم هم - همان طور که مولوی می گوید و درست هم می گوید: «ای برادر تو همه اندیشه ای» - یعنی اندیشه مردم، یعنی ایمان مردم؛ آن چیزی که جسم مردم را به میدان می آورد و زبان و بازوی مردم را در خدمت حقیقتی قرار می دهد و متوجه حمله ها می کند. الان این کار انجام می گیرد. البته نظام اسلامی به فعل الهی ایستادگی کرده و می کند؛ ولی باید خیلی هوشیار بود. هم وزارت ارشاد باید

هوشیار باشد - بخصوص این بخش‌های حساس - هم شما ناشران باید هوشیار باشید، هم بخش‌های دیگر ذی ربط - در دولت، در مجلس، در قوه قضائیه - باید هوشیار باشند. نباید اجازه داد دشمن هر کار می خواهد بکند.

اگر بخواهیم قدم به قدم تصویر کنیم، این گونه است: ذهنها را تحت تأثیر قرار دادن؛ سپس موانع نفوذ در ارکان نظام را از بین بردن؛ مثل شورای نگهبان. الان می بینید که به شورای نگهبان هم خیلی حمله می شود. این بحث «ناظرات است تصوایی» و این چیزهایی که باز هم رویش جنجال می کنند، از آن جنجالهای بسیار بی مثنا و بی ریشه ای است که هدفش تضعیف شورای نگهبان و در واقع نفوذ دادن عناصر مخالف با اسلام و مخالف با امام و مخالف با نظام جمهوری اسلامی در ارکان قانونگذاری است. مانع شان شورای نگهبان است. فکر می کنند همان بلایی که یک روز سر آن هیأت علمای طراز اول آوردند، به این وسیله می توانند بر سر شورای نگهبان هم بیاورند، که البته نخواهند توانست و مطمئتاً چنین چیزی تحقق پیدا نخواهد کرد. هدف این است؛ این قدم بعدی است. طراحان سیاسی و امنیتی و جنگ روانی دشمن، پیش خودشان چنین محاسبه می کنند که اگر این کار هم به نتیجه برسد، آن وقت قدم بعدی نفوذ در مجلس است و این به معنای نفوذ در دولت و نفوذ در ارکان نظام است. این گونه می خواهند وارد شوند.

پس قدم اول چیست؟ نفوذ در ذهنیت مردم. ذهن مردم، ایمان مردم، دل مردم، عواطف مردم و عشق مردم است که هدف دشمنان قرار دارد و نفوذ در اینها از طرق فرهنگی است. البته تصور می کنند که موفقیت یافته اند و گمان می کنند که پیشرفت کرده اند؛ لیکن خطأ کرده اند؛ اشتباه کرده اند. ارکان نظام مستحکم است و مسؤولان نظام هم مراقبند و باید هم مراقب باشند. من الان - آقای وزیر ارشاد هم اینجا هستند - بخصوص می گویم، باید مراقبت کنید و مراقبت شما باید یک مراقبت مضاعف باشد. از جنجالها و از متهم شدن به این که اینها ضد آزادی، نترسید. شما حتی اگر بالاترین انواع آزادی را هم بدھید، اما اصولتان را حفظ کنید، باز هم خواهند گفت که شما ضد آزادی هستید! کما این که الان در این منطقه، کشورهایی هستند که در همه تاریخ خودشان، روی یک مجلس ملی انتخاباتی را ندیده اند؛ آنها را متهم به نظام دیکتاتوری نمی کنند، ولی کشور ما را که در طول بیست سال عمرش، بیست تا انتخابات آزاد و انتخابات مردمی داشته، متهم می کنند! از دشمن که انتظاری نیست. برای خاطر حرف دشمن که انسان نمی تواند مشای صحیح و منطقی و خردمندانه خودش را تغییر دهد. بنابراین، هیچ ملاحظه نکنید.

امروز سلطه گران در همه جای دنیا - هر جایی به تناسب - در فکر سلطه فرهنگیند؛ یک نمونه اش هم همین ماهواره است که حالا باز هم می بینم بحث ماهواره را مطرح کرده اند. این منطق درست نیست که ما بگوییم چون تا پنج سال دیگر فناوری ماهواره پیشرفت خواهد کرد و بدون بشقاب هم مردم ممکن است تصاویر ماهواره را بگیرند، پس از حالا جلویش را باز کنیم! این منطق، منطق صحیحی نیست. آن کسی که این منطق را مطرح می کند، باید بگوید برای جلوگیری از آن، چه کار تازه ای باید کرد. این منطق و استدلال، این گونه باید نتیجه بدهد. البته دشمن فناوری را پیشرفت می کند. در مقابل، شما باید فکر کنید که با تطور و پیشرفت فناوری ماهواره، چه کارهایی را می توانید انجام دهید تا از نفوذ ماهواره جلوگیری کنید. اما این استدلال، که چون دشمن پیشرفت می کند، پس ما بیاییم هر مانعی را از جلو راهش برداریم، منطقی نیست. این مانع، علی العجاله مانع است. مثل این است که دشمن تا مزهای ما پیش آمده، آن وقت بگوییم، ما که نمی توانیم بیشتر از دو ساعت مقاومت کنیم، پس برویم! نه آقا! این دو ساعت را مقاومت کنید، شاید پیروز شدید. این چه حرفي است؟! قانون ممنوعیت ماهواره - که مجلس شورای اسلامی، چند سال قبل از این، آن را تصویب کرد - یک قانون کاملاً درست و بجا بود. حداقلش این است شما توانسته اید چند سال این نفوذ را به عقب بیندازید و ان شاء الله باز هم خواهید توانست.

شما باید به موازات این کار، وسائل مصون سازی را فراهم کنید. جوانان را مصون کنید، ذهنها را مصون کنید، دلها را مصون کنید که اگر علی رغم شما، روزی دشمن توانست نفوذ کند، شما قبلًا مصونیت ایجاد کرده باشید. راهش این است؛ این گونه باید با هجوم دشمن برخورد کرد. ما با این روحیه مقاومت و با این روحیه ایستادگی، توانسته ایم قدرتی مثل استکبار جهانی و مثل امریکا را، بیست سال پیشتر در نگهداریم و باز هم می توانیم! ملت ایران قوی است

و این استقامت، استقامت ایمانی است. این استقامت، از دین، از اسلام و از ایمان سرچشمه می‌گیرد و هر جا که باشد، موجب ناکامی دشمن خواهد شد. این را ما باید حفظ و تقویت کنیم. ما باید دین را تقویت کنیم؛ ایمان جوانان را تقویت کنیم؛ اجتناب از فساد را تقویت کنیم. این کار، کار درستی است؛ این راه، راه صحیحی است و شما ناشران عزیز، در قبال این چیزها مسؤولیت دارید. البته شما جمع معدودی از ناشران کشور هستید که این جا جمع شده اید و خوشبختانه ما امروز شما را زیارت کردیم. بیشتر شما، یا همه شما هم کسانی هستید که علی القاعده، این حرفها را قبول دارید. حالا ممکن است بعضی هم قبول نداشته باشند؛ بالاخره این هم نظری است. هر کس که در کشور مسؤولیتی دارد، باید طبق نظر و ایمان اسلامی و احساس تکلیفی که می‌کند، قاطع و شجاعانه و قوی قدم بردارد. این وظیفه همه است. امیدواریم که هم شما، هم ما، هم دولت، هم مجلس و هم قوه قضائیه، وظایفمان را بدانیم و از این مسأله تأثیر بر روی ذهنها و ایمانها آسان نگذریم. این مسأله بسیار مهمی است؛ این مقطع بسیار حساسی است؛ این کار بسیار عظیمی است و نباید از آن به آسانی گذشت. این کار، از مبارزه با داروی فاسد و تاریخ منقضی شده و از مبارزه با پزشک قلابی خیلی مهمتر است. در هر جامعه ای، این نقطه اساسی است. ما دو ساعتی را با شما گذراندیم. از شما، از دوستانمان در وزارت ارشاد و از بقیه کسانی که این دیدار را ترتیب دادند و از خواهران محترمی که به این جا تشریف آورده‌اند و از همه شما برادران تشکر می‌کنیم. ان شاءالله موقف و مؤید باشید.

والسلام عليكم و رحمة الله و بركاته